

اللَّهُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ

پدیدآور: ابطحی، محمدباقر، ۱۳۴۹- تدوینگر

عنوان: معصوم شناسی

تکرار نام پدیدآور: سیدمحمدباقر ابطحی، محمود خیری.

مشخصات نشر: قم: بقیة الله، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۲۸-۱۴-۷

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

موضوع: چهارده معصوم - سرگذشتنامه - ادبیات نوجوانان

موضوع: ائمه اثنا عشر - سرگذشتنامه.

شناسه افزوده: خیری، محمود، ۱۳۴۰-تدوینگر.

شناسه افزوده: موسسه مکتب بشیر، تهیه کننده

رده کنگره: ۱۳۸۹، ۷ و ۹ م / ۳۶ Bp

رده دیویی: ۲۹۷ / ۹۵

نام کتاب: معصوم شناسی

تدوین: سید محمد باقر ابطحی - محمود خیری

تهیه شده در: موسسه مکتب بشیر

انتشارات: بقیة الله

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول زمستان ۱۳۸۹

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

همراه: ۰۹۱۲۵۹۰۸۱۱۷

تلفکس: ۰۲۱۷۷۱۶۱۹۸۲

Email: amookheiri@ yahoo.com

تقديم به

چهارده معصوم

عليه السلام

فهرست

۶	مقدمه
۷	معصوم اول پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۳	معصوم دوم (امام اول) امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۱	معصوم سوم حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۲۹	معصوم چهارم (امام دوم) امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>
۳۵	معصوم پنجم (امام سوم) امام حسین <small>علیه السلام</small>
۴۱	معصوم ششم (امام چهارم) امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۴۷	معصوم هفتم (امام پنجم) امام باقر <small>علیه السلام</small>
۵۱	معصوم هشتم (امام ششم) امام صادق <small>علیه السلام</small>
۵۷	معصوم نهم (امام هفتم) امام کاظم <small>علیه السلام</small>
۶۱	معصوم دهم (امام هشتم) امام رضا <small>علیه السلام</small>
۶۵	معصوم یازدهم (امام نهم) امام جواد <small>علیه السلام</small>
۷۱	معصوم دوازدهم (امام دهم) امام هادی <small>علیه السلام</small>
۷۵	معصوم سیزدهم (امام یازدهم) امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۷۹	معصوم چهاردهم (امام دوازدهم) امام مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الیه</small>
۸۵	نمونه اجرای برنامه درسی (حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>)
۹۲	مسابقه معصوم شناسی

مقدمه

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ
يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا. (احزاب ۳۳)

یکی از مهم‌ترین علوم و معارف اسلامی آشنایی با قرآن و عترت است و از نیازهای مهم انسان برای یک زندگی سعادت‌مند داشتن الگوی مناسب برای زندگی بهتر است. اگر زندگی و سیره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به درستی برای همه تبیین و روشن شود با عمل به این سیره، جامعه اسلامی به سوی سعادت پیش خواهد رفت و این مهم یکی از وظایف ما مسلمانان است.

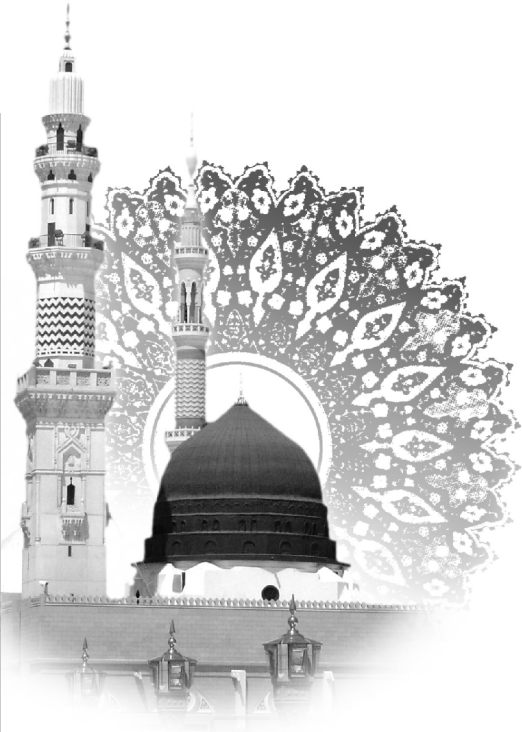
از آنجایی که لازم است این آموزش‌ها برای هر فرد مسلمان از دوران کودکی آغاز گردد تا بیشتر در اذهان آنان نقش بندد، کتاب زندگانی و سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به زبان ساده و مختصر آماده شده و اینک در اختیار شما قرار می‌گیرد.

در این کتاب شما با مطالب زیر آشنا می‌شوید:

۱. اسامی و القاب و... چهارده معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام.
۲. بیش از ۴۰ حدیث همراه با ترجمه.
۳. مختصری از سیره معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام.



محمد ﷺ



صلوات
علي وآله
حضرت محمد

معصوم اول

نام	محمد ﷺ	مدت عمر	۶۳ سال
لقب	مصطفی	یاران	سلمان فارسی - ابوذر غفاری - حمزه - سیدالشهداء - عمار یاسر
کنیه	ابوالقاسم	تاریخ رحلت	۲۸ صفر سال ۱۰ هجری قمری
تاریخ تولد	۱۷ ربیع الاول عام الفیل	محل دفن	مدینه
محل تولد	مکه	نحوه شهادت	***
پدر	عبدالله	قاتل	***
مادر	آمنه	زامداران	ابوسفیان - پادشاهان روم - ایران و حبشه
مدت نبوت	۲۳ سال		

پیامبر اکرم ﷺ

﴿صَلِّ مَنْ قَطَعَكَ وَ أَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ وَاعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ﴾^۱

- با کسی که از تو بریده ، پیوند کن و کسی که تو را محروم کرده عطایش بده ، و از کسی که به تو ستم کرده درگذر.

﴿اتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا﴾^۲

- هرگاه گناه کردی، طاعتی کن، [چون] گناه را پاک می کند.

^۱ غرالفصاحه ، ص ۳۷۴

^۲ غرالفصاحه، ص ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۹۳



❁ أَقْرَبُكُمْ غَدًا مِنِّي فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ
آدَاكُمْ لِلْإِمَانَةِ وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ
أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ.^۱

- نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت کسانی
هستند که در گفتار راستگوتر، در امانت‌داری
استوارتر و در عهد و پیمان باوفاتر و در اخلاق
نیکوتر و نسبت به مردم نزدیک‌تر و خدمتگزارتر
باشند.

^۱بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۴



مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی پیامبر

اسلام ﷺ

قرآن شخصیت بزرگوار پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ را به عنوان الگو و سرمشق برای ما مسلمانان معرفی کرده است.^۱ پیامبر ﷺ را این گونه توصیف می‌کند برانگیخته شده‌ام تا رفتارهای شایسته و نیکو را به کمال برسانم.^۲ با اندکی تأمل در زندگی پیامبر اسلام ﷺ می‌توان این زیبایی‌ها را مشاهده نمود.

یکی از یارانش می‌گوید: «ده سال خدمتش کردم؛ هرگز دشنام نداد و کتکم نزد و مرا از خود نراند و به رویم اخم نکرد. اگر در کاری که دستور فرموده بود سستی می‌کردم، سرزنش نمی‌کرد و اگر کسی از خاندانش نکوهش می‌کرد، می‌فرمود: رهایش کنید که اگر می‌توانست انجام می‌داد.»^۳

در جنگ أُحُد، صورتش زخمی شد و چهار دندان پیشین او شکست. یارانش از او خواستند تا دشمنانش را نفرین کند، اما فرمود: نفرین‌کننده برانگیخته نشدم، اما دعوت‌کننده و بخشنده مبعوث

^۱ احزاب، آیه‌ی ۲۱

^۲ غرالفصاحه. ترجمه مهدی انصاری قمی، ص ۱۶۳

^۳ همنام گل‌های بهاری، حسین سیدی، ص ۵۴



شدم، خداوندا! قوم مرا هدایت کن، آنان نمی فهمند.^۱

بر دسته شمشیرش نوشته بود: «از کسی که بر تو ستم کرده بگذر».^۲ و خود نیز به دیگران سفارش می کرد یکدیگر را ببخشید تا کینه هایتان نسبت به هم بریزد.^۳

از ویژگی های ممتاز انسان های بزرگ، پوزش پذیری است و او چنین بود. روزی به اصحابش فرمود: آیا به شما خبر دهم بدترین شما کدام است؟ گفتند: آری، ای پیامبر خدا! پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: بدترین شما کسی است که از اشتباه در نمی گذرد، پوزش را نمی پذیرد و از لغزش چشم پوشی نمی کند.^۴

همیشه به کودکان سلام می کرد. یکی از یارانش می گوید: ما در حال بازی بودیم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از کنار ما گذشت و گفت: «السلام علیکم یا صبیان» یعنی سلام بچه ها.^۵ هم چنین می فرمود: «یکی از چیزهایی که تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد، سلام کردن بر کودکان است تا این کار پس از من سنتی برای دیگران باشد».^۶

^۱ جامع الصغیر، ۲ / ۴۳۲

^۲ بحار الانوار ۶۸ / ۴۰۱

^۳ کنز العمال ۳ / ۳۷۳

^۴ عدة الداعی، ص ۲۱۴

^۵ مسند احمد بن حنبل ۳ / ۱۸۳

^۶ سنن النبی، علامه طباطبایی، ص ۴۲



برای کودکان ارزش خاصی قائل بود و بازی با آنان را نیاز آن‌ها می‌دانست. روزی از کوچه‌ای می‌گذشت. کودکان سرگرم بازی بودند، در حالی که کودکی گرفته و مغموم گوشه‌ای نشسته بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جلو رفت، سلام کرد و پرسید: «چرا بازی نمی‌کنی؟» کودک پاسخ داد: «چون لباس من کهنه است و پدر ندارم، کودکان مرا به بازی نمی‌گیرند». پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کودک را به آغوش کشید و به خانه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام برد و به دختر گرامی خود فرمود: «آیا دلت می‌خواهد برایت برادری آورده باشم؟» سپس فرمود: دخترم مقداری آب آماده کن و یک دست از لباس‌های کودکان را بیاور». فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام چنین کرد و به کمک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کودک را شست و شو دادند و لباسی تمیز بر او پوشاندند و موهایش را شانه زدند. سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را به کوچه برد و در برابر سایر کودکان با او مشغول بازی شد تا این‌که کودکان دیگر به سراغ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمدند و گفتند: «چرا با ما بازی نمی‌کنی؟» حضرت فرمود: «به شرطی با شما بازی می‌کنم که با این کودک نیز بازی کنید». پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن کودک را به میان بچه‌های دیگر فرستاد و همگی با هم مشغول بازی شدند.^۱

^۱الگوهای تربیت اجتماعی، کریمی‌نیا، ص ۱۵۸



علیؑ



رام علیؑ

معصوم دوم (امام اول)

نام	علي <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۶۳ سال
لقب	امير المؤمنين	ياران	مالك اشتر، عبدالله بن عباس
كنيه	ابوالحسن	تاريخ شهادت	۲۱ رمضان سال ۴۰ هجري
تاريخ تولد	۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفيل	محل دفن	نجف
محل تولد	مكه	نحوه شهادت	ضربت شمشير
پدر	عمران	قاتل	ابن ملجم
مادر	فاطمه	زامداران	معاويه و سه خليفه
مدت امامت	۳۰ سال		

امام علي عليه السلام:

❁ مَنْ قَلَّ أَكَلُهُ صَفَا فِكْرُهُ^۱.

— هر که خوراکش کمتر باشد، فکرش روشن می شود.

❁ يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا: حُسْنَ الثَّقَةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُ وَ الْمَهَابَةَ مِنْهُ^۲.

— راست گفتار با راست گویی اش سه چیز را به دست می آورد: اعتماد خوب، جلب محبت برای خود و عظمت نزد مردم.

❁ أَكْرَمَ مَنْ وَدَّكَ وَاصْفَحَ عَنِ عَدُوِّكَ يَتِمُّ لَكَ الْفَضْلُ^۳.

— دوست خود را گرامی دار و از دشمن خود درگذر تا برتری برای تو کامل گردد.

^۱ غررالحکم، ص ۷۳۱، ح ۹۱۳۱

^۲ غررالحکم، ص ۸۸۳، ح ۱۰۸۸۲

^۳ غررالحکم، ص ۱۰۵۹، ح ۲۳۷۲

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی

امیر المؤمنین علیه السلام

علی علیه السلام به فرموده خودش از نوزادی در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرورش یافت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به سینه می‌چسباند و او را در بستر خویش می‌خواباند، او را در بغل می‌گرفت و از عطر دلپذیرش بهره‌مند می‌ساخت. لقمه را می‌جوید و در دهانش می‌گذاشت.^۱

موقعیتی که او در محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشت، هیچ کس نداشت. هر روز سحر محضر او می‌رفت و سلام می‌کرد و اجازه ورود می‌گرفت و در محضر او می‌نشست و از کلامش بهره‌مند می‌گشت.^۲

به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام: در نوع غذا شبیه‌ترین افراد به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. خود نان و سرکه و روغن زیتون می‌خورد و به مردم (مهمانان خود) نان و گوشت می‌داد.^۳ کشاورزی می‌کرد، بیل می‌زد و زمین‌های بایر را آماده زراعت می‌نمود. گاهی به سوی صحرا می‌رفت و همراه خود باری از هسته خرما می‌برد، به حضرتش گفته می‌شد: این چیست که به همراه داری؟ می‌فرمود: هر دانه از این‌ها یک

^۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

^۲. مسند احمد، ج ۱ ص ۷۷.

^۳. اصول کافی ج ۶ ص ۳۲۸.

نخل است، ان شاء الله. آن گاه می رفت و همه آن ها را می کاشت.^۱

نعلین های خود را به دست خود تعمیر می کرد (خاصف النعل) و مانعی در این کار نمی دید.^۲ هر گاه وقت ادای نماز می رسید، رنگ چهره امیرالمؤمنین علیه السلام تغییر می یافت و برخود می لرزید. وقتی به او می گفتند: این چه حالت است؟ می فرمود: هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه شد و آن ها از حمل آن سرباز زدند و انسان این بار امانت را برداشت.^۳

به هنگام وضو گرفتن اجازه نمی داد کسی برایش آب بریزد و می فرمود: دوست ندارم در نمازم به درگاه خدا کسی را شریک قرار دهم.^۴ در خانه خود اتاقی که نه کوچک بود و نه بزرگ، اختصاص به نماز خود داده و در همان جا نمازهایش را می خواند.^۵ هر گاه از موضوعی نگران و هراسناک می شد به نماز پناه می برد که قرآن می فرماید: «از شکیبایی و نماز یاری بجوید».^۶ در آخر عمر خود

^۱. همان، ج ۵ ص ۷۴.

^۲. همان، ج ۶، ص ۴۶۸.

^۳. المناقب، ج ۲، ص ۱۲۴.

^۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۲۳.

^۵. المحاسن ج ۲، ص ۴۵۲.

^۶. اصول کافی ج ۳ ص ۴۸۰ آیه ۴۲، سوره بقره.



شبانۀ روز هزار رکعت نماز می‌خواند.^۱ در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت «مرتضی» نامیده شد.^۲

با مردم مهربان بود حتی با دشمنانش، چون پسر ملجم شمشیرش را بر فرق حضرت فرود آورد، بی‌هوش شد و چون به هوش آمد به حسین علیه السلام فرمود: این اسیر را در بند نگه دارید، غذایش بدهید و سیرابش کنید و اسارتش نیکو باشد. به پسرش امام مجتبی علیه السلام فرمود: پسر! بر اسیرت مهربان باش و به او مهر بورز، نیکی کن و دلسوز باش. چون شیر برایش آوردند، فرمود: آن را نزد اسیرتان ببرید.^۳ به قول شهریار:

می‌زند پس لب او کاسه شیر
می‌کند چشم اشارت به اسیر
چه اسیری که همان قاتل اوست
تو خدایی مگر ای دشمن دوست

یارانش در نبرد صفین می‌گفتند: چرا درنگ می‌کنید و به ما اجازه جنگ نمی‌دهید؟ او در پاسخ می‌گفت: هیچ‌گاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نیانداختم، مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من بپیوندند و به وسیله من هدایت شوند و با

^۱. همان، ج ۴، ص ۱۵۴.

^۲. المناقب، ج ۳، ص ۱۱۰.

^۳. امیر گل‌ها، حسین سیدی، ص ۱۸۱.



چشمان کم سوی خود، پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند. چنین حالتی را بیشتر دوست دارم از کشتن ایشان در عین ضلالت، هر چند خود، گناه خود به گردن گیرند. اصحابش را از ستیزه‌جویی گفتاری باز می‌داشت و می‌فرمود: کسی که نمی‌خواهد آبرویش بریزد، «بگو مگو» را رها کند.^۱ روزی در سفری پیاده، با غیرمسلمانی همسفر شد. غیر مسلمان از او پرسید: کجا می‌روی ای بنده خدا؟ پاسخ داد: کوفه. چون بر سر دو راهی رسیدند، همان راهی را رفت که غیرمسلمان می‌رفت. مرد علت را پرسید. امام فرمود: اوج همنشینی آن است که انسان چند قدمی دوستش را بدرقه کند؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ما چنین فرمانی داد. مرد پرسید: رسول خدا چنین گفته است؟ علی عَلِيٌّ فرمود: بله. نامسلمان گفت: کسی که او را پیروی کند، کارهای نیک او را پیروی کرده است. من به اسلام گواهی می‌دهم. مرد نامسلمان، مسلمان شد و به دنبال امام رهسپار شد.^۲

روزی زره گمشده خویش را در دست مردی یهودی دید. فرمود: این زره مال من است. یهودی انکار کرد و گفت: زره در دست من است، شما که ادعای مالکیت آن را داری، باید دلیل بیاوری. چون

^۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۵۴.

^۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷.



حضرت شاهی بر گفتار خود نداشت، شریح قاضی در محکمه کوفه، به نفع یهودی حکم صادر کرد. یهودی با مشاهده همسانی امام با دیگر قشرهای جامعه و حتی غیرمسلمان در برابر قانون گفت: او راست می‌گوید زره مال اوست و در جنگ صفین از اسبی خاکستری رنگ بر زمین افتاد و من برداشتم. مرد، مسلمان شد. امام به او فرمود: «اینک که مسلمان شدی، زره را به تو بخشیدم».^۱

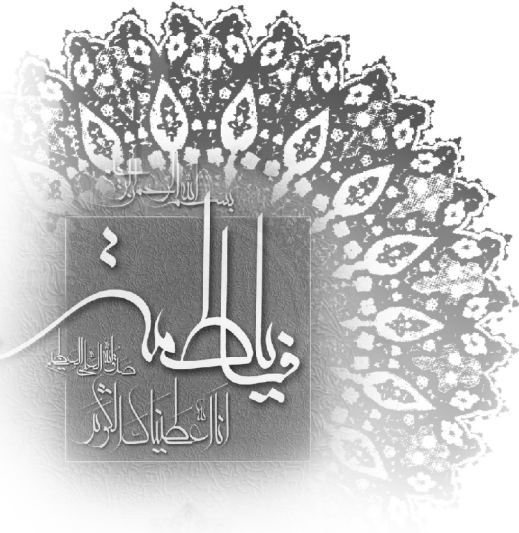
و بالاخره! آن قدر شیفته «لقاءالله» بود که وقتی در محراب عبادت، ضربت شمشیر برفرش فرود آمد فرمود: «فزت و رب الكعبه»؛ به خدای کعبه رستگار شدم.

^۱ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۶.





فاطمه علیها السلام



حضرت فاطمه علیها السلام

معصوم سوم

نام	فاطمه <small>عليها السلام</small>	مدت عمر	۱۸ سال
لقب	زهرا	خدمتکاران	اسماء بنت عمیس، فضّه
کنیه	ام ابیها		
تاریخ تولد	۲۰ جمادی الثانی سال پنجم بعثت	تاریخ شهادت	۱۳ جمادی الاول یا ۳ جمادی الثانی سال ۱۱ هجری
محل تولد	مکه	محل دفن	مدینه
پدر	محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>	نحوه شهادت	صدمات وارده
مادر	خدیجه	زاماداران	خلیفه اول
مدت امامت	***		

حضرت فاطمه عليها السلام:

❁ مَنْ أَصْعَدَ إِلَيَّ اللَّهُ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ.^۱

- کسی که خالص ترین عبادت خود را به سوی خدا بفرستد، خداوند هم بهترین مصلحت ها و خیرهایش را برای او می فرستد.

❁ أَحِبُّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَ: النَّظْرُ إِلَيَّ وَجِهَ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّلَاوَةَ كِتَابِ اللَّهِ وَ الْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۲

^۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۴

^۲. نهج الحیاء، ص ۲۷۱

- از دنیای شما سه چیز مورد علاقه من است:
تلاوت کتاب خدا، نگاه به چهره‌ی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
و انفاق در راه خدا.

﴿ مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصْنُ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ
وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ. ^۱

- روزه‌دار به وسیله‌ی روزه‌ی خودش عملی انجام
نداده و سودی نمی‌برد تا زمانی که زبان و گوش و
چشم و اندام بدن خود را (از حرام) نگه‌داری
نکرده است.

^۱ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۹۵

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی حضرت

فاطمه زهرا علیها السلام

درباره عظمت شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام باید گفت که ایشان پدری چون رسول گرامی دارد که قرآن ایشان را چنین توصیف می‌کند که «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین»^۱ و «لقد کان لکم فی رسول اللہ اسوة حسنة»^۲ و مادری چون خدیجه که اسلام مرهون زحمات آن بزرگوار است. مادری که سه سال مسلمانان محصور در شعب ایطالب را اداره کرد و همه اموال خود را در این راه خرج کرد. حضرت زهرا علیها السلام ام‌الائمہ و مادر عصاره عالم خلقت، حضرت ولی عصر علیه السلام است.

او از نظر فضایل انسانی فردی است که پیامبر درباره‌اش مکرر فرمود: **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ كِ وَ طَهَّرَكَ وَ اصْطَفَىٰ كِ عَلِي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**؛ همانا خداوند تو را برگزیده و پاکیزه و معصوم گردانیده و تو را بر همه زن‌ها رجحان داده است.^۳ اگر برای فضیلت زهرا علیها السلام چیزی جز سوره کوثر نبود، زهرا را بس که بگوید نزد خداوند افضل و برتر عالمیانم. مصحف فاطمه علیها السلام متعلق به اوست، کتابی که ائمه علیهم السلام به آن افتخار می‌کرده‌اند و همه علوم در

^۱ آیه ۱۰۷، انبیاء.

^۲ آیه ۲۱، احزاب.

^۳ آیه ۴۲، آل عمران، ج ۳، مناقب ابن شهر آشوب.



آن است که به خط امیرالمؤمنین علیه السلام و املائی فاطمه زهرا علیها السلام می باشد.^۱

از نظر زهد، زهرا علیها السلام را همین بس در شبی که به خانه علی علیه السلام می رفت، امیرالمؤمنین علیه السلام فرش خانه اش را از شن تهیه کرد و رسول اکرم جهیزیه ای برای زهرا علیها السلام تهیه فرمود که همه آن شصت و سه درهم بود،^۲ و در همان شب در وسط راه پیراهنی را که از جمله جهیزیه بود به فقیر داد و خود با همان پیراهن کهنه ای که داشت به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام رهسپار می شد.^۳

در روایات آمده است که زهرا علیها السلام به قدری روی پا ایستاد و عبادت کرد که پاهای او متورم شد. امام حسن علیه السلام می فرماید: مادرم از اول شب تا صبح عبادت می کرد و هرگاه از نماز فارغ می شد، به دیگران دعا می کرد. از او پرسیدم که چرا به ما دعا نکردید؟ فرمود: عزیز من اول همسایه، سپس خودمان (الجارثم الدار).^۴

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای کمک، خادمه ای لازم داشت و گرفتن خادم و خادمه در آن زمان امری رایج و لازم بود. چون زهرا علیها السلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

^۱ اصول کافی، ج ۱.

^۲ امالی، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۹.

^۳ نزهة المجالس، صفوری شافعی، ج ۲، ص ۲۲۶.

^۴ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

وارد شد قبل از آن که در این مورد چیزی بگوید، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: زهرا جان می‌خواهی چیزی به تو یاد دهم که بهتر از دنیا و آن چه در آن است باشد؟ و تسبیح مشهور (تسبیحات حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام) را به او یاد داد. زهرا عَلَيْهَا السَّلَام پس از آن با خوشحالی تمام به خانه بازگشت و به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام عرض کرد با دعایی که از پدرم گرفته‌ام، چند دنیا نصیب من شده است.^۱

مفسرین شیعه و سنی نقل می‌کنند: که روزی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام با فرزندانش بخاطر نذری که برای شفای حسنین کرده بودند روزه بودند. در هنگام افطار فقیری رسید و از آن‌ها چیزی خواست. زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و خانواده‌اش غذای خود را به آن فقیر دادند. زهرا عَلَيْهَا السَّلَام برای افطار روز بعد نانی تهیه کرد. یتیمی آمد، باز آن نان‌ها را به یتیم دادند. در مرتبه سوم نانی تهیه نمود، اسیری آمد و باز افطار خود را به او دادند و بالاخره هر سه شب را بدون افطار صبح کردند و آیه ۷ و ۸ سوره دهر در شأن آنان نازل گردید که «آنان طعامی را که دوست داشتند به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند. جز این نیست که این کار را فقط برای خدا می‌کنیم و جز از او سپاسی نمی‌خواهیم.»^۲

^۱ ارشاد الساری ابن حجر قسطلانی، ج ۶، ص ۱۱۷.

^۲ امالی، صدوق، ص ۲۱۲.

آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً»^۱ در شأن او و فرزندانش است و او را فاطمه نامیدند چرا که شیعیان خود را از آتش می‌رهاند و نجات می‌دهد^۲ و خود، از هر شرّی بریده و جداست.^۳

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هرگاه زهرا را می‌دید دست و روی او را می‌بوسید. او را استقبال می‌کرد و بجای خود می‌نشانید و می‌فرمود: «من بوی بهشت را از زهرا استشمام می‌کنم».^۴

همسر باوفایش درباره او فرمود: فاطمه آن‌قدر با کوزه آب کشید تا در سینه‌اش اثر گذاشت و آن‌قدر با آسیاب آرد کرد که دستانش تاول زد و آن‌قدر خانه را جارو کرد که لباسش غبارآلود شد و آن‌قدر آتش بر زیر دیگ افروخت که بر لباسش دود و خاکستر نشست.^۵ او آن‌قدر با حیا بود که از نابینا هم رو می‌گرفت و اوج نزدیکی و قرب به خدا را برای زنان وقتی می‌داشت که آنان در خانه به وظایف خود پردازند.^۶

^۱ آیه ۳۳، احزاب..

^۲ بحار الانوار، ج ۱۰.

^۳ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۳۰.

^۴ علل الشرایع، صدوق ص ۵.

^۵ همان، ج ۲، ص ۶۵.

^۶ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پس از پیامبر فقط ۷۵ یا ۹۵ روز زنده بود و در این مدت غم جانکاه فراق پدر او را رنج می‌داد و در آخر با مصیبت‌های وارده و زخم‌ها و جراحات فراوان در اثر ظلم اعدا در سن ۱۸ سالگی به شهادت رسید.
السلام علیک یا سیده نساء العالمین.

حسن عليهما



الحرم
عليهما السلام

معصوم چهارم (امام دوم)

نام	حسن <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۴۷ سال
لقب	مجتبی	یاران	حجر بن عدي، عدي بن حاتم
كنيه	ابو محمد	تاریخ شهادت	۲۸ صفر سال ۵۰ هجري
تاریخ تولد	۱۵ رمضان سال ۳ هجري	محل دفن	مدینه
محل تولد	مدینه	نحوه شهادت	شیر زهر آلود
پدر	علي <small>عليه السلام</small>	قاتل	جُعه
مادر	فاطمه <small>عليها السلام</small>	زامداران	معاویه
مدت امامت	۱۰ سال		

امام حسن مجتبی عليه السلام

❁ لَا تُعَاجِلِ الذَّنْبَ بِالْعُقُوبَةِ وَاجْعَلْ بَيْنَهُمَا لِإِعْتِزَارِ طَرِيقًا.^۱

- در مجازات خطاکار شتاب نکن، و بین خطا و مجازات، راه عذری را قرار بده.

❁ الْإِخَاءُ الْوَفَاءُ فِي الشَّدَةِ وَالرِّخَاءِ.^۲

- برادری عبارت است از وفاداری در سختی و آسایش.

❁ مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ.^۳

- هیچ قومی مشورت نکردند، مگر این که راه وصول به هدفشان را یافتند.

^۱ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۳

^۲ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۴

^۳ تحف العقول، ص ۲۳۳

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام حسن علیه السلام

امام حسن علیه السلام از هر جهت حسن است. جدی چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشت و پدری چون امیرالمؤمنین علیه السلام و مادری چون زهرای مرضیه علیه السلام. او در این خانواده طوری تربیت شد که ۲۵ بار پیاده به مکه رفت^۱ و در بعضی از سفرها پاهای مبارک آن حضرت متورم می‌شد. موقع وضو گرفتن، بدنش می‌لرزید و وقتی وارد مسجد می‌شد با تضرع می‌گفت: «ای خدا! مهمان تو در خانه‌ات آمده است، ای نیکوکار! گنه‌کار به در خانه تو آمده، ای کریم! به خوبی خود از زشتی او بگذر.»^۲

روزی سائلی خدمت آن بزرگوار آمد اظهار فقر کرد و برای آن حضرت دو بیت شعر خواند که مضمون آن چنین است: «چیزی ندارم که بفروشم و حوائج خود را رفع کنم، و حالم بر گفته‌ام گواه است و فقط آبرویم مانده که می‌خواستم فروخته نشود، ولی امروز تو را خریدار یافتم. آبرویم را بخر و مرا از فقر نجات بده». حضرت به آن کسی که تهیه مخارج در دستش بود، فرمود: هر چه داری به این مرد بده که من از او خجالت می‌کشم! دوازده هزار درهم موجودی را به او داد. چنان‌که

^۱. مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۱۴.

^۲. همان.



برای مخارج آن روز چیزی نماند، و جواب دو شعر را نیز چنان داد: «تو از ما با عجله چیزی خواستی، هرچه بود دادیم و بسیار کم بود. بگیر و آن چه داشتی (آبرو) را حفظ کن و گویا که ما را ندیده‌ای و به ما چیزی نفروخته‌ای».^۱

در تمام عمرش سه بار، تمام اموالش را حتی کفش و لباس و دینارهایش را در راه خدا بین فقرا تقسیم کرد.^۲

در دوران کودکی، پیامبر با او و برادرش امام حسین علیه السلام بازی می‌کرد. یک بار که هر دو بر دوش پیامبر سوار شده بودند شخصی به آنان فرمود: عجب مرکب خوبی! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نعم الراكبان؛ عجب سواران خوبی.^۳ وقتی پیامبر با مردم نماز می‌خواند و به سجده می‌رفت حسن بر پشت یا گردن او سوار می‌شد و پیامبر گاهی سجده را طولانی می‌کرد و گاهی سرش را بلند کرده و امام حسن علیه السلام را آرام زمین می‌گذاشت تا آزرده نشود.^۴ و در جواب برخی معترضین می‌فرمود: نخواستم عجله کنم، تا نیاز فرزندم برطرف شود.» زمانی که پیامبر در رکوع بود، حسن علیه السلام می‌آمد و

^۱. زندگانی چهارده معصوم، آیت الله مظاهری، ص ۶۵.

^۲. وسایل الشیعه ج ۸۸، ص ۵۵.

^۳. بحار الانوار، ج ۴۳.

^۴. کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۶۷.



پیامبر ﷺ پاهایش را باز می کرد تا حسن علیه السلام از طرفی به طرف دیگر برود.^۱

راوی می گوید: دیدم امام حسن علیه السلام غذا می خورد و سگی مقابلش بود، هر لقمه ای که حضرت میل می فرمود لقمه ای نیز برای سگ می انداخت، عرض کردم: ای فرزند پیامبر آیا این سگ را برانم؟ فرمود: رهایش کن. از خدا حیا دارم که طعامی بخورم و جاننداری مقابلم ایستاده باشد و به او غذا ندهم.^۲

روزی مردی از اهل شام تا امام را دید او را لعن و ناسزا گفت. امام علیه السلام سکوت کرد تا از دشنام دادن فارغ شد. آن گاه به آن مرد سلام کرد و با لبخند فرمود: ای آقا! گمان می کنم غریب باشی و گویا اشتباهی شده، اگر از ما طلب رضایت می کنی از تو راضی می شویم، اگر چیزی بخواهی عطا می کنیم، اگر بخواهی راهنمایی ات می کنیم، اگر گرسنه باشی تو را سیر می کنیم، اگر برهنه هستی تو را می پوشانیم، اگر محتاج هستی بی نیازت می کنیم، اگر رانده شده ای تو را پناه می دهیم، اگر حاجت داری حاجتت را برمی آوریم و اگر می خواهی میهمان ما باشی به خانه ما بیا؛ زیرا خانه ما وسیع است و می توانی وسایل و بار خود را در خانه ما بگذاری.

^۱. انساب الاشراف، ج ۲۲، ص ۱۹.

^۲. مسند امام مجتبی (ع)، ص ۱۳۰.



همین که مرد شامی این سخنان را شنید، سر به زیر انداخت و اشک در چشمانش حلقه زد و پس از چند لحظه به امام نگاه کرد و گفت: «شهادت می‌دهم که تو خلیفه خدا در روی زمین هستی و خدا بهتر می‌داند که خلافت و رسالت را در کجا قرار دهد. پیش از آن که تو را ملاقات کنم، تو و پدرت دشمن‌ترین خلق نزد من بودید، ولی الان محبوب‌ترین آن‌ها نزد من هستید». بعد از آن به خانه امام حسن علیه السلام رفت و تا در مدینه بود میهمان امام علیه السلام بود و از محبان و معتقدان اهل بیت گردید.^۱

جُناده می‌گوید در هنگام شهادت، خدمت آن بزرگوار رسیدم و از ایشان خواستم نصیحتی کنند. حضرت فرمودند: «ای جُناده! مهیای مرگ باش و قبل از رسیدن مرگ، زاد و توشه برای سفر مرگ و قبر و قیامت تهیه کن. جُناده! برای دنیا کوشا باش به قدری که گویا همیشه زنده هستی، و برای آخرت کوشا باش به قدری که گویا فردا می‌میری. جُناده! اگر عزت می‌خواهی بدون آن که عشیره و نزدیکانی داشته باشی، و اگر اُبَهِت و شخصیت اجتماعی می‌خواهی بدون این که سلطنتی داشته باشی، لباس ذلت معصیت را به در آور و لباس اطاعت حق تعالی را بپوش».^۲

^۱. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۲۲۲.

^۲. جلاء العیون، علامه شُبَری، ص ۳۷۰.

حسين عليه السلام



حسين عليه السلام

معصوم پنجم (امام سوم)

نام	حسین <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	مدت عمر	۵۷ سال
لقب	سیدالشهداء	یاران	مسلم بن عقیل، حبیب بن مظاهر
کنیه	ابو عبدالله	تاریخ شهادت	۱۰ محرم سال ۶۱ هجری
تاریخ تولد	۳ شعبان سال ۴ هجری	محل دفن	کربلا
محل تولد	مدینه	نحوه شهادت	جدا نمودن سر مبارک
پدر	علی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	قاتل	شمربین ذی الجوشن
مادر	فاطمه <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	زامداران	معاویه و یزید
مدت امامت	۱۱ سال		

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

﴿مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَتْ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُوا وَ أَسْرَعَ لِمَا يَحْذَرُونَ﴾^۱

- هر کس بخواهد که با نافرمانی و معصیت خدا به آرزو و هدفی برسد، راه وصول به آرزویش مسدود می شود و زودتر گرفتار خطر خواهد شد.

﴿إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ﴾^۲

- پرهیز از ظلم کردن به کسی که یآوری بر تو، جز ذات پاک خدا ندارد.

﴿مَنْ جَادَ سَادَ، وَ مَنْ بَخِلَ رَذِلَ﴾^۳

- کسی که سخاوت داشته باشد، آقا گردد و کسی که بخل ورزد، پست شود.

^۱. تحف العقول ص ۲۴۸

^۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۸

^۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام حسین علیه السلام

دومین فرزند حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام در سال چهارم هجری در مدینه به دنیا آمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نام او را «حسین» گذاشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن قدر به او علاقه داشت که درباره‌اش فرمود: «حسین از من است و من از حسینم. خدا دوست دارد، هر کس را که دوستدار حسین است». آن حضرت ۶ سال در زمان پیامبر و ۲۹ سال در زمان پدرش حضرت علی علیه السلام و ۱۰ سال در زمان امامت برادرش امام حسن علیه السلام زندگی کرد. پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام دوره امامت امام حسین علیه السلام آغاز گردید.

معاویه از سال ۵۳ هجری به فراهم کردن مقدمات جانشینی پسرش یزید پرداخت. لذا با فریب کاری و صرف پول فراوان، مردم را وادار کرد که با یزید بعنوان جانشین معاویه بیعت کنند. ولی امام حسین علیه السلام و جمعی از مسلمانان با یزید بیعت نکردند، تا این که در سال ۶۰ هجری، معاویه از دنیا رفت و بالاخره یزید به حکومت رسید.

یزید فردی ستمگر، خوشگذران، شرابخوار بود و اخلاق بسیار ناپسندی داشت و به هیچ وجه شایستگی حکومت بر مسلمانان را نداشت. امام

حسین علیه السلام با شهادت بسیار از بیعت با یزید خودداری کرد و از مدینه به مکه رفت و به راهنمایی مردم مکه پرداخت و یزید را به آنان معرفی کرد.

مردم کوفه که با عدالت علی علیه السلام آشنا بودند، آرزو می کردند فرزندش امام حسین علیه السلام به کوفه برود و پیشوای آنان باشد. لذا جمعی از بزرگان کوفه و چندین هزار نفر از اهالی کوفه نامه هایی به امام حسین علیه السلام نوشتند و او را به شهر خود دعوت کردند.

امام حسین علیه السلام که تصمیم قطعی به مبارزه با حکومت یزید را گرفته بود، دعوت مردم کوفه را فرصت مناسبی برای شروع مبارزه علیه حکومت ضد اسلامی یزید می دانست. بنابراین مسلم بن عقیل را که پسر عموی آن حضرت و مردی دلیر و باهوش بود به عنوان نماینده خود روانه کوفه کرد. مردم ابتدا او را گرامی داشته و سی هزار نفر با او پیمان بستند.

مسلم جریان را به امام علیه السلام گزارش کرد و از آن حضرت خواست که بی درنگ به سمت کوفه حرکت کند. با شنیدن این ماجرا، یزید «عبیدالله بن زیاد» را که مردی خونریز و سفاک بود حاکم کوفه کرد. وی با تهدید و تطمیع، مردم را از دور مسلم پراکنده کرد و مسلم را دستگیر و به شهادت رساند.

امام حسین علیه السلام در بین راه از شهادت مسلم با خبر شد و با علم به بی وفایی مردم کوفه راه خود را ادامه داد. ابن زیاد لشکری به فرماندهی حرّ (که بعدها او نیز جزو یاران سیدالشهداء شد) برای مقابله با امام حسین علیه السلام فرستاد. اما امام علیه السلام حاضر به تسلیم نشد و راه خود را به سمت دیگر کج کرد و بالاخره به سرزمین کربلا وارد شد. مأموران یزید چند بار به امام علیه السلام پیشنهاد بیعت با یزید را دادند، اما آن حضرت نپذیرفت و فرمود: من مرگ با افتخار را سعادت و زندگی با ستمگران را بدبختی و هلاکت می دانم.^۱ سرانجام امام حسین علیه السلام با هفتاد و دو تن از یاران و فرزندانش به شهادت رسیدند و با شهادت خود به همه مردم جهان درس آزادگی و فداکاری و ایستادگی در برابر ظلم و فساد دادند.^۲ امام حسین (ع) وقتی وضو می گرفت رنگش پریده و پاهایش می لرزید، از سبب این کار پرسیدند، فرمود: سزاوار است برای کسی که در مقابل خدای با جبروت ایستاده رنگش زرد شود و پاهایش بلرزد.^۳

شخصی می گوید: «نزد امام حسین علیه السلام بودم که کنیزی با دسته گلی وارد شده و سلام کرد،

^۱. تحف العقول، ص ۱۷۴.

^۲. زندگانی ۱۴ معصوم، یوسف درودگر، ص ۴۴ تا ۴۵.

^۳. جامع الاخبار ص ۷۶.

حضرت فرمودند در راه خدا آزادی، عرض کردم:
او دسته گلی بی مقدار هدیه آورد و تو او را آزاد
می کنی؟ فرمود: خدا این گونه ما را ادب کرده است،
خدا می فرماید: زمانی که به شما هدیه ای دادند (یا
سلام دادند) بهتر از آن هدیه یا مثل آن را هدیه
کنید و بهتر از آن، آزادیش بود.^۱

^۱.کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۱.



سجاد علیہ السلام



رسول
محمد
عليه السلام

معصوم ششم (امام چهارم)

نام	علي <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۵۷ سال
لقب	زين العابدين	ياران	ابوحمزه ثمالي، ابو خالد كابلبي
كنيه	ابومحمد	تاريخ شهادت	۲۵ محرم سال ۹۵ هجري
تاريخ تولد	۵ شعبان سال ۳۸ هجري	محل دفن	بقيع
محل تولد	مدينه	نحوه شهادت	زهر
پدر	حسين <small>عليه السلام</small>	قاتل	هشام و وليد بن عبدالملك
مادر	شهربانو	زامداران	از يزيد تا هشام بن عبدالملك (۹ نفر)
مدت امامت	۳۵ سال		

امام سجاد عليه السلام:

﴿ نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَالْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ. ^۱

- نگاه محبت آمیز مؤمن، به چهره‌ی برادر دینی‌اش، عبادت است.

﴿ هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يُرْشِدُهُ. ^۲

- کسی که حکیم و دانشمندی او را ارشاد و راهنمایی نکند به هلاکت و بدبختی می‌افتد.

﴿ إِنَّمَا التَّوْبَةُ الْعَمَلُ وَالرُّجُوعُ عَنِ الْأَمْرِ، وَ لَيْسَتْ التَّوْبَةُ بِالْكَلامِ. ^۳

- همانا توبه کردن، عمل کردن و برگشتن از کارهای بد گذشته است و توبه کردن با سخن و حرف نیست.

^۱ تحف العقول، ص ۲۸۲

^۲ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹

^۳ کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۱

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام سجاد علیه السلام

نام امام چهارم «علی» است، وی فرزند امام حسین علیه السلام است. به آن حضرت «سجاد» و «زین العابدین» می‌گویند. امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: پدرم علی بن الحسین علیه السلام هرگز یاد نکرد نعمتی از نعمت‌های خدا را مگر آن‌که سجده کرد برای شکر آن نعمت و هرگاه از نماز واجب فارغ می‌شد، سجده می‌کرد و هرگاه توفیق می‌یافت بین دو نفر صلح برقرار کند برای شکر آن سجده می‌کرد و اثر سجده در پیشانی مبارک آن حضرت نمایان بود و به این سبب آن حضرت را امام سجاد علیه السلام می‌گفتند.^۱

شب‌ی آن حضرت در محراب عبادت به راز و نیاز ایستاده بود، شیطان به صورت مار عظیمی ظاهر شد که آن حضرت را از عبادت خدا باز دارد. حضرت به او توجهی نکرد تا شیطان آمد و انگشتان پای حضرت را در دهان گرفت و گزید، ولی حضرت توجهی نکرد. چون حضرت از نماز خود فارغ شد او را از خود دور کرد و فرمود: دور شو ای ملعون و باز به عبادت ایستاد. پس شنید منادی سه مرتبه

^۱ شجره طیبه، سید محسن حجازی زاده، ص ۱۴۳.

او را صدا کرد: «انت زین العابدین؛ تویی زینت عبادت کنندگان».^۱

امام سجاد علیه السلام، در حادثه کربلا شرکت داشت ولی به علت بیماری و تب شدید از آن حادثه جان به سلامت برد. چون مصلحت الهی این بود که رشته امامت گسسته نشود و امام سجاد علیه السلام وارث آن رسالت بزرگ، یعنی امامت و ولایت گردد. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و یاران و فرزندان، امام سجاد علیه السلام به همراه عمه بزرگوارش حضرت زینب کبری علیها السلام به عنوان اسیر به کوفه و شام برده شد. امام سجاد علیه السلام در این دو شهر و همچنین در مدینه به روشنگری درباره نهضت و حماسه عاشورا پرداخت و ستمکاری‌ها و فریب کاری‌های زمامداران بنی امیه را برملا کرد و مردم را از آینده شومی که در سایه این حکومت در انتظار آنان بود آگاه کرد.

امام سجاد علیه السلام نسبت به محرومان و درماندگان خدمت بی دریغ کرد، حتی در یک حادثه جنگی مدینه که خانواده‌های زیادی بی سرپرست شدند، وی صدها خانواده را تحت سرپرستی خویش اداره می‌کرد.^۲

^۱. کشف الغمه.

^۲. زندگانی ۱۴ معصوم، یوسف درودگرس ۵۳ و ۵۲.



امام زین العابدین علیه السلام به صورت ناشناس با کاروان‌ها به سفر حج می‌رفت. امام وقتی که با کاروان ناشناس حرکت می‌نمود، با آن‌ها شرط می‌کرد تا جزء خدمتکاران آن کاروان گردد و برای رفع نیاز کاروانیان اقدام نماید. در یکی از سفرها امام در طول سفر طبق معمول به همگان کمک کرد تا این‌که فردی از کاروان او را شناخت و به دیگران گفت: این آقا علی بن الحسین علیه السلام است. افراد کاروان تا او را شناختند پروانه‌وار به حضورش آمدند و دست او را بوسیدند و گفتند: ای پسر رسول خدا! آیا می‌خواهی خدای نکرده، آزاری از ناحیه دست و زبان ما به تو برسد و اهل دوزخ شویم، چرا حق را به ما نمی‌شناسانی؟ امام سجاد علیه السلام در پاسخ فرمود: من یک بار با کاروانی که مرا می‌شناختند حرکت کردم، افراد آن کاروان به من احترام فراوان کردند و من دوست ندارم که آن‌گونه با من رفتار شود، از این رو می‌خواهم کسی مرا نشناسد.^۱

صحیفه سجادیه که شامل ۵۷ دعا است و دقیق‌ترین مسائل توحیدی، عبادی و اجتماعی و اخلاقی در آن به صورت دعا عنوان شده است و هم‌چنین رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، کتاب‌هایی است که از آن امام همام برای ما به یادگار گذاشته شده

^۱داستان‌های شنیدنی از چهارده معصوم، ص ۹۰.

است. ان شاء الله که بتوانیم با مطالعه و عمل به آنها
جزء شیعیان راستین آن حضرت قرار بگیریم.



باقر ﷺ

ام محمد باقر
عليه السلام

معصوم هفتم (امام پنجم)

نام	محمد <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۵۷ سال
لقب	باقر العلوم	ياران	جابر بن يزيد جعفي، محمد بن مسلم
كنيه	ابو جعفر	تاريخ شهادت	۷ ذیحجه سال ۱۱۴ هجري
تاريخ تولد	اول رجب سال ۵۷ هجري	محل دفن	بقیع
محل تولد	مدينه	نحوه شهادت	زين زهر آلود
پدر	علي بن الحسين <small>عليه السلام</small>	قاتل	هشام - ابراهيم بن وليد
مادر	فاطمه بنت الحسن	زامداران	هشام بن عبد الملك
مدت امامت	۱۹ سال		

امام باقر عليه السلام:

﴿إِيَّاكَ وَالْخُصُومَةَ فَإِنَّهَا تُفْسِدُ الْقَلْبَ وَتُورِثُ النَّفَاقَ﴾^۱

- از خصومت و دشمنی بپرهیز، چرا که قلب را تباه می‌کند و موجب نفاق می‌شود.

﴿لَا يَسْلَمُ أَحَدٌ مِنَ الذُّنُوبِ حَتَّى يَخْزُنَ لِسَانَهُ﴾^۲

- هیچ کس از گناه، سالم (در امان) نماند، مگر آن‌که زبانش را نگه دارد.

﴿الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا﴾^۳

- تنبلی به دین و دنیا ضرر می‌رساند.

^۱ اثمتنا، ج ۱، ص ۳۶۵

^۲ تحف العقول، ص ۲۹۶

^۳ تحف العقول، ص ۲۹۸

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام

باقر علیه السلام

نام امام پنجم «محمد» است. وی فرزند حضرت سجاد علیه السلام و فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام بود. به آن حضرت «باقرالعلوم» می‌گفتند چون مشکلات علوم را می‌شکافت و مسائل پیچیده را حل می‌کرد. در زمان امام باقر علیه السلام حکومت بنی‌امیه در اثر ستمگری‌ها و جنایت‌های فراوان رفته رفته ضعیف و پراکنده می‌شد و ناراضیان فراوان می‌شدند.

از طرف دیگر بنی‌عباس هنوز اوضاع را در دست نگرفته بودند، بنابراین فرصت خوبی بود تا امام به راهنمایی و ارشاد مردم بپردازند. لذا ایشان در طی ۲۳ سال امامت، شاگردان زیادی همچون جابر بن عبدالله انصاری، ابان بن تغلب، جابر جعفی، محمد بن مسلم، زرارة بن اعین، حمدان بن اعین، سُدیر صیرفی و... به جهان تشیع معرفی نمود. امام باقر (ع) همانند اجداد و پدران‌شان بسیار خوش خلق بود. روزی یک مرد مسیحی به امام باقر علیه السلام گفت: شنیده‌ام لقب شما بقر (گاو) است. حضرت با گشاده رویی فرمود: نه من بقر نیستم، اسم من باقر (شکافنده علوم) است. آن مرد گفت: شنیده‌ام که فرزند زنی آشپز هستی. امام علیه السلام فرمود: آری، آشپزی هنر او بود و کار حلال برای کسی ننگ نیست. آن مرد دوباره گفت: شنیده‌ام مادرت کنیز

بوده. امام علی^{علیه السلام} در پاسخ او فرمود: مگر چه اشکالی دارد، مادر حضرت اسماعیل (فرزند حضرت ابراهیم علی^{علیه السلام}) هم کنیز بود. پس از این گفتگو، مرد مسیحی شرمنده شد، از امام عذرخواهی نمود و راه خود را گرفت و رفت.^۱

امام صادق علی^{علیه السلام} فرمود: پدرم هرگاه می‌خواست از خداوند چیزی بخواهد به هنگام ظهر درخواست می‌کرد و چون اراده می‌کرد از خداوند چیزی بخواهد قبلاً چیزی صدقه می‌داد و مقداری بوی خوش به کار می‌برد و به مسجد می‌رفت و برای درخواست خود دعا می‌نمود به آن چه خدا بخواهد.^۲

یکی از یاران امام باقر علی^{علیه السلام} می‌گوید: در سفری با امام باقر علی^{علیه السلام} سوار بر یک شتر بودیم. هرگاه امام برای کاری از شتر پیاده می‌شد، به هنگام سوار شدن با من دست می‌داد. به امام گفتم: گویا در این دست دادن فضیلتی سراغ داری؟ فرمود: آری، هنگامی که مؤمنی با مؤمن دیگری دست دهد. خداوند گناه هر دو را می‌بخشد.^۳

^۱ قصه‌های ۱۴ معصوم، یوسف درودگر، ص ۸۷ و ۸۶.

^۲ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۶.

^۳ مشکاة الانوار، ص ۲۰۳.





صاڢق ﺍﻟﻤﺸﻴﺦ

ﻗ
ﻋﺎﻟﻤﻴﺎﻡ
ﺍﻡ ﺟﻌﻔﺮ ﺻﺎڢﺍڢ

معصوم هشتم (امام ششم)

نام	جعفر <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۶۵ سال
لقب	صادق	ياران	زرار قين اعين، ابو بصير
كنيه	ابو عبدالله	تاريخ شهادت	۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجري
تاريخ تولد	۱۷ ربيع الاول سال ۸۳ هجري	محل دفن	بقيع
محل تولد	مدينه	نحوه شهادت	زهر
پدر	محمد باقر <small>عليه السلام</small>	قاتل	منصور دوانقي
مادر	امفروه	زامداران	يزيد بن عبدالملك نهمين خليفه اموي تا آخرين خليفه اموي و سفاح و منصور (۸ نفر)
مدت امامت	۳۴ سال		

امام صادق عليه السلام:

❁ الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ.^۱

- احترام مؤمن از كعبه بيشتر است.

❁ مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ.^۲

- هيچ مردی تكبر و بزرگ منشی نكرد مگر به خاطر ذلت و خواری كه در وجود خود احساس می كند.

❁ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ.^۳

- همانا شفاعت ما به کسی كه نماز را سبک بشمارد نخواهد رسید.

^۱ خصال، باب اول، ح ۹۵

^۲ وسائل الشيعه، ج ۱۱، ص ۳۰۳

^۳ بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۴

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام

صادق علیه السلام

نام امام ششم، جعفر و لقب وی «صادق» است از آن جهت که وی جز حق نگفت و هر چه به مردم ابلاغ فرمود، راست و درست بود.

دوران امامت آن حضرت ۳۲ سال طول کشید و چون این دوران مقارن با سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس بود، برای امام فرصتی مناسب برای ارشاد و هدایت مردم پیدا شد و چون مردم از فریبکاری بنی‌امیه خسته شده بودند، به دنبال کسی می‌گشتند که به آنان حق بگوید و دوست و خیرخواه آنان باشد و با علم و درایت کافی مردم را هدایت کند. مردم این فضائل را در امام صادق علیه السلام دیدند. بنابراین در مجلس درس وی شرکت می‌کردند و کم‌کم مقام علمی و معنوی حضرتش را درک کردند. راویان در کتاب‌های روایت نام بیش از چهارهزار نفر را به عنوان شاگردان آن امام نقل کرده‌اند و هزاران روایت از آن امام به جای مانده است.^۱

جابر بن حیان و مفضل بن عمر از اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام هستند. مفضل می‌گوید: «روزی در مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه شخصی بنام ابن ابی العوجاء (از سخنوران آن زمان)

^۱ زندگانی ۱۴ معصوم، یوسف درودگر، ص ۶۲.

را دیدم که با یارانش نشسته و به گفتن سخنان کفرآمیز مشغول است. از شنیدن حرف‌هایش طاقت نیاوردم و بر او فریادی زدم که ای دشمن خدا، در دین خدا الحاد ورزیدی و خدا را منکر شدی و....

ابن ابی‌العوجاء ناراحت و شگفت زده جواب داد: ای مرد! اگر از اهل کلام و بحث و مناظره‌ای بیا بنشین تا با هم گفتگو کنیم، هرگاه استدلال تو قوی‌تر بود، ما پیرو تو می‌شویم، ولی اگر اهل علم نیستی حرفی نداریم. اگر از اصحاب جعفر بن محمدی در این صورت بشنو آن حضرت با ما این‌طور سخن نمی‌گوید و مانند تو بر سر ما داد نمی‌کشد. امام صادق علیه السلام از این کلمات، بیش از آنچه تو شنیدی از ما شنیده است، ولی هرگز بر سر ما داد نزده است و زبان ما را با پرخاش نبسته است. همانا او مردی است بردبار، باوقار، دانا و استوار که از جای خود به در نمی‌رود و حوصله‌اش سر نمی‌رود و با ما مدارا می‌کند. خود را به غضب سبک نمی‌کند. حرف‌های ما را می‌شنود و به تمام دلیل‌های ما گوش می‌دهد تا این‌که هر چه می‌دانیم بگوییم و هر دلیلی که داریم بیاوریم، به طوری که خیال می‌کنیم بر او غلبه کرده‌ایم. آن‌گاه شروع به سخن می‌کند. و با سخنان منطقی و محکم، دلایل ما را باطل می‌کند و ما را از جواب دادن عاجز



می‌کند. پس اگر تو از پیروان آن جنابی، با مردم
مانند او رفتار کن و گرنه تنها با صدای بلند، هیچ
مشکلی حل نمی‌شود».^۱

امام صادق علیه السلام ۶۵ سال عمر کرد، یعنی از همه
امامان بیشتر عمر کرد و به همین جهت به
«شیخ الاثمه» معروف است.

^۱ قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، ص ۱۴۹.







كاظم عاظم

رام موی کاظم
عالم السلام

معصوم نهم (امام هفتم)

نام	موسیٰ <small>علیه السلام</small>	مدت عمر	۵۵ سال
لقب	کاظم	یاران	علی بن یقطين، صفوان بن مهران
کنیه	ابوالحسن	تاریخ شهادت	۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری
تاریخ تولد	۷ صفر سال ۱۲۸ هجری	محل دفن	کاظمین
محل تولد	مدینه	نحوه شهادت	خرمای زهر آلود
پدر	جعفر بن محمد <small>علیه السلام</small>	قاتل	سندی بن شاهک
مادر	حمیده	زامداران	منصور، مهدی، هادی، هارون الرشید
مدت امامت	۳۵ سال		

امام کاظم علیه السلام

﴿عَوْتُكَ لِلضَّعِيفِ مِنْ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ﴾^۱

- کمک تو به ضعیف و ناتوان از بهترین صدقات است.

﴿الْمَعْدَةُ بَيْتُ كُلِّ الدَّاءِ وَالْحَمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ الدَّوَاءِ﴾^۲

- معده، خانه و مکان هر درد و بیماری است و پرهیز، سرسلسله‌ی همه‌ی داروهاست.

﴿مَنْ بَدَّرَ وَ أَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النَّعْمَةُ﴾^۳

- هر کس بریز و بپاش و اسراف کند، نعمت از او رخت برمی‌بندد.

^۱ تحف العقول، ص ۴۳۷

^۲ سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۴۵

^۳ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۷

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام

کاظم علیه السلام

نام امام هفتم، «موسی» است و لقب آن حضرت کاظم می‌باشد. کاظم یعنی فرو برنده خشم، چون هر چه از دست دشمنان کشید، برایشان نفرین نکرد. حتی در ایام طولانی زندان از آن حضرت یک کلمه سخن همراه با خشم و غضب نشنیدند.

رفتار و اخلاق پیشوایان اسلام که نمودار تربیت اخلاقی و اجتماعی اسلام بود، مردم را به آنان متمایل می‌ساخت و هوادارانشان روز افزون می‌شدند.

حکومت‌ها هم از همین نفوذ و محبت برخوردار می‌ترسیدند و بنابراین می‌کوشیدند تا به نحوی رابطه مردم را با پیشوایان عدالت‌خواه دین قطع کنند.

هارون خلیفه عباسی که از نفوذ محبت امام موسی بن جعفر علیه السلام در دل مردم نگران بود، دستور داد آن حضرت را ابتدا به بصره و سپس به بغداد منتقل کنند و تحت نظر قرار دهند تا مردم کمتر با آن حضرت آمد و رفت کنند و سرانجام ایشان را به زندان انداخت. زندانی که طبق برخی از روایات از ۴ تا ۱۴ سال و تا پایان عمر آن حضرت ادامه داشت^۱ تا این که در زندان مسموم شد و به شهادت

^۱ زندگانی ۱۴ معصوم، یوسف درودگر، (با تغییرات)، ص ۷۱ و ۷۲.

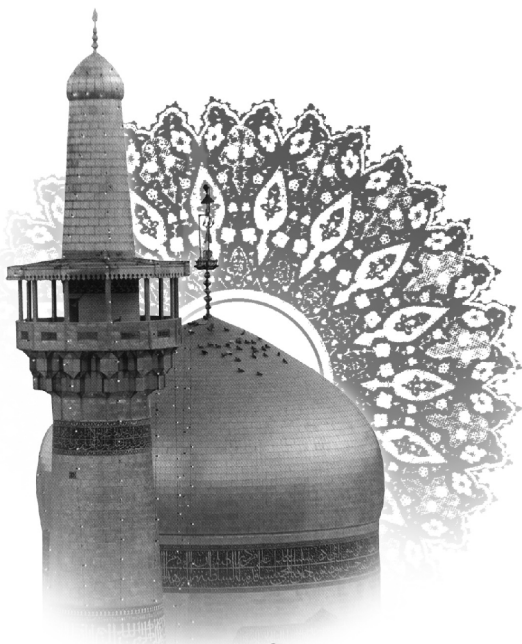
رسید. روزی هارون الرشید، کنیزی زیاروی را به عنوان خدمتکار آن گرامی به زندان فرستاد و در باطن بدین قصد که اگر امام علیه السلام به او تمایلی نشان دادند، از این طریق دست به تبلیغاتی علیه آن گرامی بزند.

امام به آورنده دخترک گفت: «شما به این هدیه‌ها دل بسته‌اید و به آن‌ها می‌نازید، من به این هدیه و امثال آن نیازی ندارم. هارون خشمگین شد و دستور داد که کنیز را به زندان ببر و به امام بگو، ما تو را با رضایت خود به زندان نیفکنده‌ایم. (یعنی ماندن این کنیز هم بستگی به رضایت تو ندارد و باید او را تحمل کنی) چیزی نگذشت که جاسوسان هارون که مأمور گزارش ارتباطات کنیز با امام بودند به هارون خبر دادند که کنیز، بیشتر اوقات در حال عبادت است. هارون گفت نه به خدا سوگند، موسی بن جعفر او را افسون کرده است.

کنیز را خواست و از او بازخواست کرد، اما کنیزک جز نکویی از امام نگفت. هارون به مأمور دستور داد کنیز را نزد خویش نگه دارد و با کسی چیزی از این ماجرا نگوید. کنیزک پیوسته در عبادت بود تا چند روز پیش از شهادت امام کاظم علیه السلام از دنیا رفت.^۱

^۱ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۹۷.





رضا عليه السلام

رمضان
عليه السلام

معصوم دهم (امام هشتم)

نام	علي <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۵۵ سال
لقب	رضا	یران	عبدالعظیم
کنیه	ابوالحسن		حسني، یونسین عبدالرحمن
تاریخ تولد	۱۱ ذیقعدہ سال ۱۴۸ هجری	تاریخ شهادت	آخر صفر سال ۲۰۳ هجری
محل تولد	مدینه	محل دفن	مشهد
پدر	موسی بن جعفر <small>عليه السلام</small>	نحوه شهادت	انگور زهر آلود
مادر	نجمه	قاتل	مأمون
مدت امامت	۲۰ سال	زاممداران	هارون، امین و مأمون

امام رضا عليه السلام:

﴿ تَزَاوَرُوا تَحَابُّوا. ^۱

- با هم دیدار کنید تا نسبت به هم دوست گردید.

﴿ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفُ. ^۲

- پاکیزگی و نظافت از اخلاق پیامبران است.

﴿ صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ. ^۳

- دوست هر کس عقل و خرد اوست و دشمنش

جهل و نادانی اوست.

^۱ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷

^۲ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵

^۳ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام رضا علیه السلام

امام هشتم فرزند حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. نام آن حضرت «علی» و لقب ایشان «رضا» بود. چون خدایش از او خشنود بود و رفتار پاکش رضایت همه را جلب می‌کرد.

مردی از اهل بلخ می‌گوید: در سفر امام رضا علیه السلام به خراسان من همراه او بودم. روزی سفره‌ای گسترده و همه یاران و همچنین خدمتکاران و چاکران و بندگان سیاه را با خود بر سر سفره نشانید. من گفتم: قربانت شوم کاش برای این سیاهان سفره‌ای جداگانه گسترده می‌شد. حضرت رضا علیه السلام در پاسخ فرمود: «ساکت باش! خدای همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است. پاداش هم، در برابر کردار است»^۱. ابراهیم ابن عباس که در مسافرت از مدینه تا طوس خدمت آن حضرت بوده است، چنین می‌گوید: «ندیدم امام رضا علیه السلام به احدی ظلم کند، هیچ وقت کلام کسی را قطع نمی‌کرد، هیچ حاجتی را رد نمی‌نمود. پای خود را مقابل کسی دراز نمی‌کرد و در مقابل هیچ کس تکیه نمی‌داد و با هیچ کس سخن جسارت آمیز نمی‌گفت»^۲.

^۱ قصه‌های ۱۴ معصوم، یوسف درودگر، ص ۱۰۹.

^۲ اعلام الوری، ص ۳۱۴.



لازم به ذکر است که بعد از مرگ هارون الرشید خلیفه عباسی، ممالک اسلامی در طغیان بودند و شورش‌های فراوانی پدید آمد. هنگامی که مأمون برادرش را نابود کرد و توانست زمام امت اسلامی را به دست بگیرد، صلاح را در آن دید که سران ممالک اسلامی را جمع کند، تا بتواند فتنه‌ها را خاموش کند. پس سی و سه هزار نفر از بزرگان شهرها و کشورها را به عنوان نماینده در مرکز حکومت جمع نمود و امام رضا علیه السلام را نیز به اجبار از مدینه به طوس آورد و با تهدید ولایتعهدی را به ایشان واگذار کرد و بدین وسیله توانست به ممالک اسلامی آرامش ببخشد.

هنگامی که شورش‌ها تمام شد، افرادی را که به عنوان نماینده جمع کرده بود، متفرق کرد و بسیاری از آنان را مورد بی‌مهری قرارداد و یا به زندان انداخت و عده دیگری را تبعید و افرادی را کشت و بعد از آن امام رضا علیه السلام را نیز به شهادت رساند.



جواد علیؑ

ام جواد
عالیؑ

معصوم یازدهم (امام نهم)

نام	محمد <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۲۵ سال
لقب	جواد، تقي	ياران	علي بن جعفر، عبدالرحمن بن حجاج
كنيه	ابوجعفر	تاريخ شهادت	آخر ذيقعدہ سال ۲۲۰ هجري
تاريخ تولد	۱۰ رجب سال ۱۹۵ هجري	محل دفن	کاظمين
محل تولد	مدينه	نحوه شهادت	آشاميدني زهر آلود
پدر	علي بن موسي الرضا <small>عليه السلام</small>	قاتل	أم الفضل
مادر	سبيكه	زمانداران	مامون، معتصم
مدت امامت	۱۷ سال		

امام جواد عليه السلام:

﴿عَزَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ﴾^۱

- عزت مؤمن در بی‌نیازی او از مردم است.

﴿قَدْ عَادَاكَ مَنْ سَتَرَ عَنْكَ الرَّشِدَ اِتِّبَاعًا لِمَا تَهْوَاهُ﴾^۲

- آن کسی که راه رشد و صلاح را به پیروی از خواسته‌هایت از تو بپوشاند، با تو دشمنی کرده است.

﴿اِنَّتِ تَصِيبُ اَوْ تَكْدُ﴾^۳

- ثابت قدم باش تا به هدف برسی، یا به آن نزدیک شوی.

^۱ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵

^۲ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۴

^۳ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۴

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام

جواد علیه السلام

ایشان به خاطر پرهیزکاری‌اش «تقی» و بخاطر سخاوت فراوانش «جواد» لقب یافت. او تنها فرزند امام رضا است. امام جواد علیه السلام هفت ساله بود که به امامت رسید. شیعیان واقعی آن حضرت تسلیم بودند ولی کسانی که ایمانشان ضعیف بود نسبت به این مسأله شک و تردید داشتند و پیش خود می‌گفتند مگر می‌شود یک بیچه، امام ما باشد.

فردی می‌گوید: هنگامی که مردم از هر سو نزد امام جواد علیه السلام می‌رفتند تا سؤالات و مشکلات خود را از آن بزرگوار بپرسند، من هم به مدینه رفتم و تعدادی اسباب بازی به عنوان هدیه برای امام جواد علیه السلام که در آن وقت کودک بود، بردم. وقتی به مدینه رسیدم، خادم امام را دیدم و اجازه حضور خواستم. اجازه داد و من وارد شدم و سلام کردم و جواب شنیدم. با احترام اسباب بازی‌ها را از کیسه درآوردم و مقابل آن حضرت قرار دادم. خیال می‌کردم که این هدایا مایه خوشحالی امام شود، ولی آن حضرت با نگاهی سنگین و متین به من، اسباب بازی‌ها را پس داد و فرمود: همین که قلبت با ماست خوب است. خداوند ما را برای این بازی‌ها خلق نکرده است.

او می‌گوید: شرمنده شدم و از حضرت خواستم مرا ببخشد و حضرت بخشید. از شرم نمی‌دانستم چگونه خداحافظی کنم. پیش خود گفتم: خدایا چه اشتباهی کردم که امام و حجت خدا را مانند اطفال دیگر به حساب آوردم. خدایا مرا ببخش.^۱

نقل است که یک سال بعد از شهادت امام رضا علیه السلام روزی مأمون به بغداد آمد. در بین راه عبورش به یکی از محلات شهر افتاد که چند کودک مشغول بازی بودند. امام جواد علیه السلام در آن روز حدود یازده سال داشت و درکناری ایستاده بود. وقتی مرکب مأمون به آن نقطه نزدیک شد، کودکان همگی فرار کردند.

تنها امام جواد علیه السلام از جای خود حرکت نکرد. خلیفه با تعجب از اسب خود پیاده شد و گفت: ای کودک! تو چرا مانند بقیه بچه‌ها فرار نکردی؟ امام جواد علیه السلام پاسخ داد: ای مأمون راه عبور تو را تنگ نکرده بودم که برای بازکردن آن کنار بروم و گناهی هم نکرده بودم تا بترسم و فرار کنم و من نسبت به خلیفه مسلمین ظن نیکو دارم و می‌دانم به کسی که مرتکب گناهی نشده آزاری نمی‌رساند.

مأمون از سخنان حکیمانه امام تعجب کرد و گفت: نامت چیست؟ فرمود: محمد مأمون گفت: پسر کیستی؟ فرمود: فرزند علی بن موسی الرضا مأمون

^۱ منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۴۳.

گفت: از سخنان حکیمانه تو فهمیدم که منتسب به
خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستی. سپس به روان پاک امام
رضاء عَلَيْهِ السَّلَام درود فرستاد و راه خود را گرفت و
رفت.^۱

^۱ گنج سعادت، ص ۲۲۹.







رمهرگی

عبدالسلام

مادی مائیل

معصوم دوازدهم (امام دهم)

نام	علي <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۴۲ سال
لقب	هادي، نقي	ياران	ابوهاشم جعفري، صالح بن سعيد
كنيه	ابوالحسن	تاريخ شهادت	۳ رجب سال ۲۵۴ هجري
تاريخ تولد	۱۵ ذیحجه سال ۲۱۲ هجري	محل دفن	سامراء
محل تولد	مدينه	نحوه شهادت	غذاي زهرآلود
پدر	محمد بن علي <small>عليه السلام</small>	قاتل	متوكل عباسي
مادر	سمانه	زامداران	معتصم، واثق، متوكل
مدت امامت	۳۴ سال		

امام هادی عليه السلام:

﴿مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنَ شَرَّهُ﴾^۱

- هر کس برای خود ارزش قائل نباشد از شر او ایمن مباش.

﴿مَنْ رَضِيَ عَنِ نَفْسِهِ كَثَرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ﴾^۲

- کسی که از خود راضی باشد، خشمناکان نسبت به او بسیار شوند.

﴿الْعُقُوقُ يُعَقَّبُ الْقِلَّةَ وَ يُؤَدِّي إِلَى الدَّلَّةِ﴾^۳

- عاق پدر و مادر موجب فقر شده ، و انسان را به سوی ذلت می کشاند.

^۱ تحف العقول، ص ۴۸۳

^۲ انوار البهیة، ص ۱۴۳

^۳ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام

هادی علیه السلام

امام دهم شیعیان جهان «علی» فرزند امام محمد تقی علیه السلام است. کنیه‌اش «ابوالحسن» است که به ایشان «ابوالحسن ثالث» نیز می‌گفتند به این علت که ابوالحسن اول امام هفتم و ابوالحسن ثانی امام هشتم می‌باشد. امام هادی علیه السلام حدود ۸ سال داشتند که به امامت رسیدند. زندگی امام هادی علیه السلام مصادف با دوران خلافت متوکل عباسی بود. متوکل منفورترین و ستمکارترین خلیفه عباسی است. او فردی مردم آزار و ستمگر، خوشگذران و زورگو بود و چون امام را مورد توجه و علاقه مردم دید، بیش از همه از جانب ایشان احساس خطر می‌کرد. به همین دلیل امام را به شهر سامرا در عراق فراخواند تا از نزدیک ایشان را تحت نظر قرار دهد و چندین بار در اثر گزارش‌های غلط مأموران به خانه امام حمله کرد تا اسلحه و پولی را که برای تجهیز کردن مخالفان اندوخته است بیابند، اما معلوم شد که این گزارش‌ها مغرضانه بوده و امام در اتاقی که فرشی نداشت مشغول عبادت بود. امام هادی علیه السلام بارها متوکل را مطمئن کرد که ما اهل بیت علیهم السلام به دنیا و خلافت شما کاری نداریم، اما باز هم دنیاطلبی متوکل باعث شد که چندین بار به خانه ایشان حمله کند و سرانجام توسط معتمد

عباسی امام هادی علیه السلام مسموم و به شهادت رسید.^۱ یکی از شاگردان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام می‌گوید: به حضور امام هادی علیه السلام رفتم، یکی از کودکانش نزد آن حضرت آمد و گلی را که در دست داشت به آن حضرت داد. آن حضرت آن گل را گرفت و بوئید و روی چشمانش نهاد، سپس آن را به کودک برگردانید. آن‌گاه به من فرمود: «کسی که یک دانه گل یا شاخه گلی را بگیرد و آن را بر چشمانش نهد، سپس بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام صلوات و درود بفرستد، خداوند متعال به اندازه شن‌های بیابان برای او ثواب می‌نویسد و به همین مقدار گناهان او را محو می‌نماید».^۲

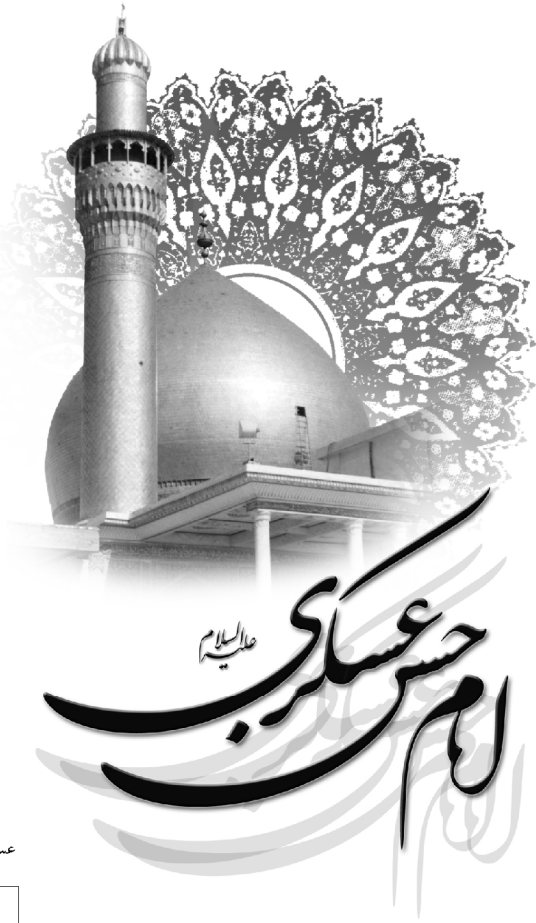
ابن شهر آشوب می‌گوید: «امام هادی علیه السلام کامل‌ترین مردم از نظر خوشرویی، و صادق‌ترین آنان از جهت گفتار بود. وقتی ساکت می‌شد، شکوه و وقار بر او سایه می‌افکند و زمانی که سخن می‌گفت، عظمت و جلوه‌اش آشکار می‌شد».^۳

^۱ زندگانی ۱۴ معصوم، یوسف درودگر ص ۹۲ تا ۹۴ (با اندکی

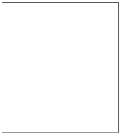
اضافات)

^۲ گنج سعادت، ص ۲۴۵.

^۳ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۰۱.



عسكري، رمضان



معصوم سیزدهم (امام یازدهم)

نام	حسن <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	۲۸ سال
لقب	عسکری	یاران	علی بن بابویه، احمد بن اسحاق اشعری
کنیه	ابومحمد	تاریخ شهادت	۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری
تاریخ تولد	۸ ربیع الثاني سال ۲۳۲ هجری	محل دفن	سامراء
محل تولد	مدینه	نحوه شهادت	نوشیدنی زهر آلود
پدر	علی بن محمد <small>عليه السلام</small>	قاتل	معتد عباسی
مادر	حدیث	زامداران	معتز، مهتدی و معتد
مدت امامت	۶ سال		

امام حسن عسکری عليه السلام

﴿ حُطَّتِ الْحَبَانَةُ فِي بَيْتِ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكِذْبُ. ^۱

- تمام ناپاکی ها و گناهان در خانه ای جمع شده و
کلید آن دروغگویی است.

﴿ التَّوَاضُّعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا. ^۲

- تواضع، نعمتی است که مورد حسد مردم واقع
نمی شود.

﴿ لَا يُدْرِكُ حَرِيصٌ مَا لَمْ يُقَدَّرْ لَهُ. ^۳

- انسان حریص بیش از آنچه برای او مقدر شده
نمی برد.

^۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۰

^۲. تحف العقول، ص ۴۸۹

^۳. تحف العقول، ص ۴۸۹

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی امام عسکری علیه السلام

امام یازدهم فرزند امام علی النقی علیه السلام است. نام آن حضرت «حسن» و لقب ایشان عسکری است. به دلیل آن که ایشان نیز همراه پدرشان در یک منطقه نظامی تحت کنترل خلفای عباسی بودند و تقریباً تمام عمر را یا در زندان و یا در تبعید به سر می‌بردند؛ از این جهت، اصحاب نمی‌توانستند خدمت ایشان برسند و مجبور بودند که مسایل خود را در میانه راه از ایشان بپرسند.

روزی زندانبان به امر خلیفه، حضرت را نزد شیران انداخت و یقین داشت که آن حضرت نابود خواهد شد، ولی دید که حضرت مشغول به نماز است و شیران با کمال تواضع در اطراف او مشغول طواف می‌باشند.^۱

خلیفه عباسی اسبی چموش داشت و کسی نمی‌توانست آن را رام کند، روزی گفت: «اسب چموشی دارم و می‌خواهم که شما آن را رام کنید! حضرت بلند شد و دستی بر سر اسب کشید و سوار بر او شد. حیوان با کمال آرامش از حضرت عسکری تمکین کرد. خلیفه عباسی که تعجب کرده بود آن اسب را به آن حضرت هدیه داد.^۲

^۱ ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.

^۲ همان، ص ۳۲۱.

احمد بن عبدالله خاقان که فردی ناصبی بود، درباره حضرت عسکری علیه السلام می گوید: حضرت عسکری علیه السلام مردی بود عالم، زاهد، باتقوا، باوقار، با عفت، با حیاء، با شرافت و با ابهت. ابهت او در دل همه حتی خلفاء و وزراء و سردمداران جایگزین بود. روزی پیش پدرم (وزیر خلفاء) نشسته بود که به او خبر دادند که امام عسکری علیه السلام آمد. پدرم او را استقبال کرد و دستش را بوسید. او را به جای خود نشانید و مانند یک بنده ذلیل در مقابل او نشست. چون آن بزرگوار رفت، از پدرم سوال نمودم که این آقا چه کسی بود؟ پدرم گفت: کسی در این جهان استحقاق خلافت ندارد جز او! مردی است عالم، زاهد، دارای صفات انسانی و بالاخره یک انسان کامل، چنانچه پدر او نیز چنین بود.^۱

امام عسکری علیه السلام از صبورترین مردم و فروبرنده ترین مردم نسبت به خشم و غضب بود و کسی را که با او بدی می کرد با صبر و گذشت مورد عفو قرار می داد.^۲

^۱. ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۱۸.

^۲. حیاة الامام العسکری، ص ۳۹.



عجل الله اليه
فرجنا الشريف

معصوم چهاردهم (امام دوازدهم)

نام	م.ح.م.د. <small>عليه السلام</small>	مدت عمر	***
لقب	صاحب الزمان <small>عليه السلام</small>	یاران	نواب اربعه (عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمري)
کنیه	ابوالقاسم، اباصالح	تاریخ شهادت	***
تاریخ تولد	۱۵ شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری	محل تولد	***
محل تولد	سامراء	نحوه شهادت	***
پدر	حسن عسکری <small>عليه السلام</small>	قاتل	***
مادر	نرجس	زامداران	***
مدت امامت	***		

امام مهدی عليه السلام

﴿ كَذِبَ الْوَقَاتُونَ ﴾^۱

- آن‌ها که برای ظهور امام زمان عليه السلام تعیین کننده‌ی وقت هستند، دروغگویند.

﴿ وَ إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ... ﴾^۲

- و همانا من، مایه‌ی امنیت اهل زمین هستم.

﴿ وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ ﴾^۳

- برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، چرا که همین دعا فرج شماست.

^۱ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۳

^۲ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱

^۳ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۸۵

مختصری از زندگینامه و سیره‌ی اخلاقی حضرت

مهدی علیه السلام

امام دوازدهم ما فرزند امام حسن عسکری است و نام او هم نام پیامبر اسلام (محمد) است و به لقب‌های حجت، قائم و مهدی معروف است. حضرت مهدی علیه السلام پس از وفات پدر در سن پنج سالگی به امامت رسید و به امر خدا از نظرها غایب شد. آن حضرت دارای غیبت صغری و غیبت کبری می‌باشد.

در غیبت صغری ارتباط ایشان با مردم از طریق نواب خاصی که چهار نفر بودند، صورت می‌گرفت. نواب خاص آن حضرت در این دوره عبارت بودند از:

۱. عثمان بن سعید عمروی

۲. محمد بن عثمان

۳. حسین بن روح نوبختی

۴. علی بن محمد سمری

این چهار نفر را نواب اربعه نیز می‌گویند. نواب اربعه هدایت مردم را به عهده داشتند. این وضع تا زمان وفات نایب چهارم ایشان که در سال ۳۲۹ رخ داد، ادامه داشت. از این زمان به بعد غیبت کبری آن حضرت آغاز شد که در این دوره هدایت مردم به عهده نواب عام یعنی علما و مجتهدین بزرگ می‌باشد. غیبت کبری، هم اکنون ادامه دارد تا هر

زمان که خداوند صلاح بداند، آن حضرت ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد نماید. إن شاء الله.

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره صفات حضرت مهدی عجل الله فرجه فرمود: «پناه‌دهی او از همه شما گسترده‌تر و دانشش از همه شما بیشتر و رسیدگی به خویشانش از همه شما افزون‌تر است... چقدر مشتاق دیدن اویم».^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا چون قائم ما قیام کند، لباس علی علیه السلام را بپوشد و براساس شیوه و سیره او رفتار نماید».^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌فرماید: «هیچ برده مسلمانی باقی نمی‌ماند مگر آن‌که مهدی عجل الله فرجه او را خریده و آزاد می‌سازد و بدهکاری نیست مگر آن‌که وام او را بپردازد. ستمی بر کسی نمی‌رود مگر آن‌که داد او را بستاند. کسی کشته نمی‌شود مگر این‌که قرض او را ادا می‌کند و خانواده‌اش را تحت پوشش کمک‌های خویش قرار می‌دهد».^۳

^۱ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۵.

^۲ وسائل الشیعه ج ۳، ص ۳۴۸.

^۳ الامام المهدی (عج) ص ۶۳۱.



طرح پیشنهادی اجرای برنامه با کمک تابلوی آموزشی جیبی یا کارتی

(ویژه مربیان و مبلغین)

به نام آن که هستی نام از او یافت

فلک جنبش، زمین آرام از او یافت

بچه‌ها سلام، حالتان خوب است؟ عیدتان مبارک.
چه عیدی؟ بله عید میلاد حضرت رسول اکرم
محمد صلی الله علیه و آله بچه‌ها! ما امروز به همین مناسبت
جشن داریم؛ جشن میلاد همراه با مسابقه. آماده‌اید؟
قبل از این که برنامه را شروع کنیم، می‌خواهیم
بینیم چقدر حواستان جمع هست و چقدر آمادگی
دارید برای شروع برنامه. با یک معما برنامه را آغاز
می‌کنیم. بچه‌ها می‌دانید از هر نوع حیوان چه تعداد
وارد کشتی حضرت موسی علیه السلام شدند؟ دست بلند
کنید و پاسخ دهید. احسنت! آفرین! کشتی حضرت
نوح بود نه موسی علیه السلام!

خوب بچه‌ها بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در چنین
روزی چند اتفاق افتاد که ما سه تای آن را نام
می‌بریم. به این کارت توجه کنید.

عکس آتشکده^۱ عکس کاخ کسری

عکس بت‌ها

^۱عکس‌ها پشت کارت اتفاقات قرار دارد و مربی یکی یکی آن‌ها را
با توضیح به بچه‌ها نشان می‌دهد.



اتفاق اول، خاموش شدن آتشکده فارس پس از هزاران سال که باعث تعجب و حیرت همگان گردید.

اتفاق دیگر، شکسته شدن تعدادی از کنگره‌های ایوان و کاخ کسری و اتفاق بعدی فروریختن بت‌هایی بود که بت پرستان آن‌ها را داخل کعبه نگهداری و عبادت می‌کردند.

بله عزیزان من! این اتفاقات نشانگر تولد شخصیتی بود که وجودش تحول بزرگی در زندگی جاهلی انسان‌ها به وجود آورد. یعنی کسی که با حضورش، خداپرستی را جایگزین بت‌پرستی و آتش‌پرستی کرد.

خوب حالا می‌خواهیم برویم سراغ مسابقه. اما اول یک توضیح لازم است:^۱

بچه‌ها این تابلوی کارتی که می‌بینید محل قرار گرفتن کارت‌های جواب سؤالات مسابقه ماست. هر پاسخ صحیحی که شما دادید من کارت آن را داخل این تابلو قرار می‌دهم تا به تدریج این تابلو کامل شود. هر سؤالی که می‌پرسم. دستتان را بلند کنید و با اجازه پاسخ بدهید تا نظم برنامه به هم نخورد. احسنت آماده‌اید؟ می‌رویم سراغ اولین سؤال.

^۱مربی سریع تابلوی کارتی را که از قبل آماده نموده است جلوی کلاس قرار می‌دهد.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در چه تاریخی به دنیا آمده است؟

البته این سؤال نیاز به راهنمایی دارد، دقت کنید بچه‌ها سال تولد پیامبر سالی بود که ابرهه با لشکریانش قصد حمله به کعبه (خانه خدا) را داشت ولیکن توسط پرنده‌گانی که از طرف خدا مأموریت داشتند، نابود شد. خوب حالا چه کسی می‌داند به این سال چه می‌گفتند؟ بله، عام‌الفیل. پیامبر در روز ۱۷ ربیع الاول به دنیا آمد.

خوب حال به سراغ سؤال بعدی می‌رویم. لقب پیامبر که معنای آن «برگزیده» است چیست؟ بله، مصطفی.

بچه‌ها به کارت بعدی نگاه کنید.^۱ کنیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه بود؟ ابو... بله، ابوالقاسم.

دوستان من! طبق برخی از روایات چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پسری به نام قاسم داشتند، کنیه ایشان ابوالقاسم بود یعنی پدر قاسم.

حالا می‌خواهیم بین مسابقه یک حکایت از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برایتان نقل کنیم. موافقید؟

صدای زنگ کاروانی از دور به گوش می‌رسید. کاروان آرام آرام به برکه‌ای نزدیک می‌شد. مسافران این کاروان بعد از راهپیمایی طولانی همه خسته بودند. قطره‌های عرق بر روی پیشانی کاروانیان،

^۱مربی دست خود را طوری روی کارت می‌گذارد که فقط کلمه

«ابو» پیدا باشد.

زیر نور آفتاب گرم حجاز می‌درخشید و آهسته بر روی گونه‌های آنان می‌غلتید. با این همه همگی از همراهی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این سفر خوشحال و شادمان بودند و رنج سفر برای آنان آسان شده بود. همین که کاروان کنار برکه رسید، رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جهت تجدید قوا و استراحت دستور توقف دادند. آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با یارانش از شتر پیاده شدند و بارها را بر زمین نهادند تا شتران نیز به استراحت بپردازند. بعد از این که یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آبی به سر و صورت زدند و اندکی استراحت کردند، تصمیم گرفتند که برای پختن غذا گوسفندی را ذبح کنند. عده‌ای برای شرکت در ذبح و پخت و پز گوسفند داوطلب شدند. هر کس وظیفه‌ای به عهده گرفت. شخصی سر بریدن و ذبح گوسفند و دیگری کندن پوست آن را به عهده گرفت. سومی گفت: من نیز آشپز ماهری هستم، پخت این گوسفند هم با من. در همین هنگام بود که همه متوجه حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این جمع شدند. آنان مشاهده کردند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌خواهد سخن بگوید. بنابراین ساکت شدند. حضرت فرمود: جمع کردن هیزم نیز با من. جنب و جوشی در کاروان به راه افتاد. همه‌ها همه جا را گرفت. اصحاب با این پیشنهاد حضرت مخالفت کردند و هرکسی چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت: شما رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستید، نباید

کار کنید. دیگری گفت: شما بزرگ ما هستید و ما خادم شما. خلاصه هرکسی قصد داشت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را از انجام این کار منصرف کند تا این که حضرت لب به سخن گشود و فرمود: خدا دوست ندارد که بنده اش در میان دیگران متمایز باشد و برای خود نسبت به دیگران امتیازی قائل باشد. پس حضرت به بیابان رفت و مقداری هیزم جمع کرد.

بچه‌ها! کسانی که دوست دارند و تصمیم گرفته‌اند از این پس به این سفارش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عمل کنند یک صلوات بفرستند.

خوب، ادامه مسابقه. بچه‌ها! پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در چه شهری به دنیا آمد؟ در شهر مکه. نام پدر پیامبر چه بود؟ عبدالله. بچه‌ها! حتماً شنیده‌اید که پدر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ چند ماه قبل از میلاد ایشان از دنیا رفت. بنابراین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ یتیم به دنیا آمد تا درد یتیمان را بفهمد. نام مادر پیامبر چه بود؟ بله، آمنه.

بچه‌ها! پیامبر مادرش را هم در کودکی از دست داد، چه کسی می‌داند پیامبر چند ساله بود که مادرش رحلت کرد؟ بله، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در سن ۶ سالگی مادرش را هم از دست داد و تحت سرپرستی پدربزرگش عبدالمطلب و عمویش ابوطالب قرار گرفت. خداوند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را در میان مشکلات و گرفتاری‌های فراوان قرار داد تا حضرت بتواند در آینده مشکلات جامعه را حل

کند و با درد مردم آشنا باشد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز با تعالیم الهی پرورش پیدا کرد و وقتی به پیامبری برگزیده شد با مهربانی و لطفش از مردم خرافاتی و جاهل شخصیت‌های بزرگی ساخت که تا دنیا، دنیاست مردم آن‌ها را به عنوان اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شمرده و از آنان به نیکی یاد کنند. اصحابی مثل؟ مثل چه کسانی؟ بله، سلمان فارسی و ابوذر غفاری. خوب دوستان من با یک حدیث می‌خواهیم برنامه امروز را خاتمه دهیم. حدیث خیلی ساده است که از ۴ تا کارت تشکیل شده و شما می‌توانید آن را به آسانی حفظ کنید.^۱ دقت کنید:

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: خیر الناس انفعهم للناس؛ یعنی بهترین مردم کسانی هستند که بیشتر به درد مردم بخورند.

خوب حالا که در اجرای این برنامه‌ی خوب با من همکاری کردید می‌خواهم یک شعر کوتاه بخوانم و شما هم با من همراهی کنید. آماده‌اید. پس بیت اول را که خواندم یاد بگیرید تا پس از خواندن بیت‌های بعدی آن را تکرار کنید بیت اول را تکرار کنید.

صل علی محمد صلوات بر محمد

صل علی محمد صلوات بر محمد

^۱ مربی کارت‌های حدیث را یکی یکی به بچه‌ها نشان می‌دهد و هر کدام را که خواند داخل تابلو می‌گذارد. سپس ترجمه هر کارت را به ترتیب می‌خواند یا آن را با کمک گرفتن از بچه‌ها داخل تابلو قرار می‌دهد.

سیصد سلام و صلوات بر روح پاک احمد
صل علی محمد صلوات بر محمد
جبرئیل بارها گفت صل علی محمد صلوات بر
محمد.

عزیزان من! حالا می خواهیم با هم دستها را بالا
ببریم و یک دعا کنیم. خدایا! ما را پیرو واقعی این
پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ قرار بده، الهی آمین. خدایا ما را
خدمتگزار این مردم قرار بده. الهی آمین.
آمین یارب العالمین. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.



مسابقه معصوم شناسی

- ۱- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدترین مردم را چه کسی می‌داند؟
الف) کسی که از اشتباه دیگران نمی‌گذرد؛
ب) کسی که پوزش دیگران را نمی‌پذیرد؛
ج) کسی که از لغزش دیگران چشم پوشی نمی‌کند؛
د) همه موارد.
- ۲- امام علی عَلِيٌّ می‌فرماید: راست‌گفتار با راست‌گویی‌اش چه چیزهایی را به دست می‌آورد؟
الف) اعتماد خوب، جلب محبت برای خود و عظمت در نزد مردم؛
ب) اعتماد خوب، اطمینان قلب، جلب محبت برای خود؛
ج) جلب محبت برای خود، اطمینان قلبی و عظمت در نزد مردم؛
د) جلب محبت برای خود، عظمت در نزد مردم و خشنودی پروردگار.
- ۳- چه چیزهایی از دنیا مورد علاقه حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا بود؟
الف) تلاوت کتاب خدا و اعمال خوب؛
ب) نگاه به چهره‌ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و انفاق در راه خدا؛
ج) تلاوت کتاب خدا و نگاه به چهره‌ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و انفاق در راه خدا؛
د) تلاوت کتاب خدا و اعمال خوب و انفاق در راه خدا.

۴- در روایت امام حسن مجتبی علیه السلام برادری چیست؟

الف) وفاداری در سختی و آسایش؛

ب) گذشت از خطاهای وی؛

ج) مشورت کردن در هر حالی؛

د) کمک به دیگران.

۵- امام حسین علیه السلام فرمود: از ظلم کردن به چه کسی بپرهیزید؟

الف) به کسی که مظلوم است؛

ب) به کسی که مسلمان است؛

ج) به کسی که پناهی ندارد؛

د) به کسی که یآوری جز خدا ندارد.

۶- امام سجاد علیه السلام توبه را در چه می‌داند؟

الف) در عمل کردن؛

ب) در برگشتن از کارهای بد گذشته؛

ج) در استغفار و پشیمانی؛

د) موارد الف و ب.

۷- از دیدگاه امام باقر علیه السلام چرا باید از خصومت و دشمنی بپرهیزیم؟

الف) چون قلب را تباه می‌کند؛

ب) چون موجب نفاق می‌شود؛

ج) چون دشمنی می‌آورد؛

د) مورد الف و ب.

۸- امام صادق علیه السلام احترام مؤمن را از چه چیزی بیشتر می‌داند؟



الف) قرآن؛

ب) مؤمنان؛

ج) مسجد؛

د) کعبه.

۹- امام کاظم علیه السلام سرسلسله همه داروها را چه

می داند؟

الف) پرهیز کردن؛

ب) کم خوری؛

ج) داروهای گیاهی؛

د) هر سه مورد.

۱۰- امام رضا علیه السلام دوست و دشمن انسان را چه

کسی می داند؟

الف) دوستش عقل ، دشمنش خرد؛

ب) دوستش عقل ، دشمنش جهل؛

ج) دوستش خرد ، دشمنش عقل؛

د) موارد الف و ب.

۱۱- امام جواد علیه السلام عزت مؤمن را درچه می داند؟

الف) احترام به مردم؛

ب) بی نیازی از مردم؛

ج) معاشرت با مردم؛

د) تقاضای از مردم.

۱۲- طبق فرمایش امام هادی علیه السلام عاق پدر و مادر

موجب چه می شود؟

الف) موجب فقر می شود؛

ب) موجب عذاب می شود؛



ج) مورد الف و ب؛

د) هیچ کدام.

۱۳- امام حسن عسکری علیه السلام کلید تمام ناپاکی ها و

گناهان را چه می داند؟

الف) غیبت؛

ب) دزدی؛

ج) سخن چینی؛

د) دروغ.

۱۴- هدایت مردم در زمان غیبت کبری به عهده

کیست؟

الف) نواب اربعه؛

ب) نواب عام؛

ج) نواب خاص؛

د) حاکم.

پاسخنامه

الف	ب	ج	د	
				۱
				۲
				۳
				۴
				۵
				۶
				۷
				۸
				۹
				۱۰
				۱۱
				۱۲
				۱۳
				۱۴